رونمایی از «حبسی» در جشنواره پویانمایی تهران

انیمیشن «حبسی» از تولیدات جدید مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی احمد خوش‌نیت با موضوع تلاش برای آزادی، برای نخستین بار در جشنواره پویانمایی تهران روی پرده می‌رود. به گزارش روز دوشنبه گروه فرهنگی ایرنا، انیمیشن «حبسی» داستان انسانی محبوس است که در دنیای ظلمت برای رسیدن به آزادی، چشم امید به عنایات پیکره‌ای سنگی دوخته که همواره معامله‌ای عجیب با او دارد، بی‌نتیجه ماندن این معاملات برای انسان سبب می‌شود در برخورد با پیکره سنگی روشی متفاوت در پیش گیرد و... خوش‌نیت درباره داستان این انیمیشن گفته تم اصلی فیلم آزادی است؛ در واقع می‌توان موضوع «حبسی» را به این شکل روایت کرد که رسیدن به آزادی در گرو مبارزه علیه تعصبات موجود در زندگی و از بین بردن آن‌هاست.

تئوری‌های نخبگان علیه ادبیات عامه‌پسند

چرخ لَنگ اقتصاد نشر خصوصی

هر چند شکی وجود ندارد که ادبیات برای معاش متکی به خود در هر دو بخش خصوصی و دولتی، به رعایت بازار با همه قواعدش نیاز دارد اما نویسنده و ناشری که این قواعد را نشناسد و یا نخواهد به آنها تن دهد، لاجرم از گردونه خارج خواهد شد.

به گزارش ایرنا، مطالعه درباره رابطه میان ادبیات و اقتصاد، از مباحث میان‌رشته‌ای تازه و پرسش‌های بسیاری در این مطالعه مطرح است. اینکه آیا نویسنده می‌تواند در جایگاه صنعتگری خلاق، کارآفرینی کند؟ مناسبات بازار در ادبیات با مناسبات بازار در معنای کلان اقتصادی هم‌خوانی دارد یا خیر؟ رونق اقتصادی تا چه حد موجب رونق و شکوفایی ادبیات و نشر می‌شود؟ آیا نویسنده می‌تواند فقط با اتکا به نوشتن و دریافت حق‌التحریر، امرار معاش کند؟ و ده‌ها پرسش دیگر در مطالعه رابطه میان اقتصاد و ادبیات مطرح می‌شود و پاسخ تحلیلی به هر یک می‌تواند موضوع گزارش تحلیلی مجزا نیز باشد.

شاید بهتر است از اینجا شروع کنیم که معاش نویسندگان و اهل ادب در دوره پیشامدرن چگونه بوده است و چه فرقی با دوره مدرن و صنعتی و فراصنعتی دارد.

تئوری‌های نخبگان علیه ادبیات عامه‌پسند

بی‌تردید نویسندگی، شاعری و اشتغال به یکی از امور هنری در ادوار گذشته ـ تقریبا در همه جای جهان ـ بدون استثنا وابسته به دربار پادشاهی و صاحبان قدرت یا منوط به حمایت خاندان‌های متنفذ و ثروتمند بوده است. اگر هنرمندی هم تن به همکاری با صاحبان قدرت و ثروت نمی‌داد، دست آخر در فقر و تنگدستی روزگار می‌گذراند که نمونه‌هایش در تاریخ فراوان است؛ یعنی همان هنرمندان و ادیبانی که پس از مرگشان صاحب نام و وراثشان صاحب ثروت شدند.

«محسن حکیم معانی» داستان‌نویس و منتقد ادبی در گفت‌وگو با ایرنا در این باره می‌گوید: پرواضح است که معاش هنرمندان در دوران صنعتی دگرگون شد و بنا به تغییرات ساختاری در شیوه زندگی مردمان جهان، هنرمندان و ادبا نیز به شیوه دیگر گذران زندگی کردند و از زمانی که هنر و ادبیات از حیطه دربارها خارج شد و نویسندگان آثارشان را به مردم فروختند، ماجرای دیگری آغاز شد.

نویسنده مجموعه داستان «ارواح مرطوب جنگلی» می‌افزاید: نویسنده مدرن پس از پیدایش روزنامه‌ها و قابلیت انتشار و تکثیر متن، با مخاطب و مردم روزگارش، مواجه شد. او باید چیزی می‌نوشت و منتشر می‌کرد که مناسب حال آنها باشد. مردم برای چیزی که به دردشان نمی‌خورد قطعا پولی پرداخت نمی‌کردند. اینجا بود که ادبیات عامه‌پسند در معنای امروزی‌اش متولد شد. البته این را تا حدی می‌توان به هنرهای دیگر نیز تعمیم داد. در موسیقی و نقاشی و ... بعدها هم که سینما سردمدار این قافله شد.

«فرشاد زاهدی» دانش‌آموخته تاریخ سینما و مدرس دانشگاه مادرید نیز در گفت‌وگو با ایرنا ضمن اشاره به آنکه نخستین واکنش‌های جدی به هنری که عامه مردم را خطاب قرار می‌داد، از سوی دانشمندان مکتب فرانکفورت مطرح شد یادآور می‌شود: «تئودور آدورنو»، «ماکس هورکهایمر» و «هربرت ماکوزه» از جمله کسانی بودند که با طرح تئوری «صنعت فرهنگ» به شدت به هنر مردمی و پاپ و سطح پایین تاختند و در این باره نظریه‌پردازی نیز کردند. البته پیش از مکتب فرانکفورتی‌ها، رمانتیک‌های آلمانی بودند که تاب هنر سطح پایین و مردم‌پسند را نیاوردند و به دشمنی با هنر بازاری برخاستند.

وی خاطرنشان می‌کند: آنها برای هنر شأن والایی قائل و معتقد بودند که رسانه‌هایی مانند رادیو، سینما، تلویزیون و روزنامه‌ها در این امر بیش از عوامل دیگر موثرند. آنها در مبحث صنعت فرهنگ بر این باور بودند که سرمایه‌داران با خرید هنرمندان و به طریق اولی آثار آنها، بازار آثار هنری را در اختیار می‌گیرند و از این راه سودهای سرشاری می‌برند. ناگفته پیداست که تحلیل‌های ضد بازاری مکتب‌های انتقادی، ریشه در تفکرات اقتصادی و فلسفی تندروهای آلمان داشت.

اقتصاد نشر در گرو مثلث نویسنده، ناشر، مخاطب

در ایران نیز از زمانی که روزنامه و دستگاه چاپ وارد شد، با نوع دیگری از ادبیات مواجه شدیم. اگر به فهرست نخستین آثار ادبی ترجمه شده نگاه بیندازیم در می‌یابیم که رمان‌های تاریخی و آثار عامه‌پسند در رده نخست قرار می‌گیرد.

در این ارتباط زاهدی می‌گوید: در زمانی که ما در ایران آثار قرن هفده و هجده اروپا را ترجمه می‌کردیم، ادبیات اروپا، پا در جهان مدرن گذاشته و «جیمز جویس» داستان‌ها و رمان‌هایش را منتشر می‌کرد. از این خلا و فاصله تاریخی که بگذریم ما در فاصله دهه‌های ۱۰ تا ۵۰ هجری خورشیدی با سرعت بیشتری خواستیم به جهان ادبیات نزدیک شویم اما در این مسابقه و نزدیکی، به ابزاری نیاز داشتیم که متاسفانه در آن زمان هنوز بسترش فراهم نشده بود.

با توجه به این گفته‌ها، پرواضح است که اگر در بازار کالاهای صنعتی و عمومی با مشتری سر و کار داریم؛ در هنر و ادبیات مخاطب نقش مشتری را بازی و تقریبا از همان قواعد پیروی می‌کند

بار دیگر برگردیم به آغاز بحث و پرسش‌هایی که باید در زمینه رابطه ادبیات و اقتصاد مطرح شود؛ نخستین مساله این است که ما در چرخه اقتصادی ادبیات با سه محور یا سه ضلع سر و کار داریم؛ نخست «نویسنده» که مولد است و تا اثری خلق نکند هیچ بازاری هم شکل نمی‌گیرد. دوم «ناشر» و فرایند نشر اثر ادبی در کسوت کتاب است و سوم نیز «بازار مصرف» یا مشتری یا مخاطب.

«ابراهیم زاهدی» مطلق نویسنده و منتقد ادبی شناخته‌شده کشورمان در گفت‌وگو با ایرنا درباره جایگاه نویسنده می‌گوید: در جهان امروز، نویسندگانی که از راه نوشتن رمان و داستان، ثروتمند شده‌اند، به تعداد انگشتان دست نیست. در ایران که کسی را سراغ ندارم. در دنیای ادبیات هم اگر از فیلمنامه‌نویسان و یا نویسندگانی که زمان حیاتشان از آثارشان اقتباس سینمایی شده است بگذریم باز هم به تعداد قلیلی می‌رسیم ـ البته این جدای از جایگاه اجتماعی و یا احیاناً ثروتی است که نویسنده‌ای در کنار کار نویسندگی‌اش کسب کرده است ـ بحث ما درآمد با حق‌التحریر اثر ادبی است.

تقصیری که به گردن نویسنده نیست

پس تا اینجا کار ادبیات با مساله اشتغال و درآمدزایی زاویه‌های فراوانی دارد. اما مقصر و عامل اختلاف میان قواعدی که نویسنده در کار خود دارد با قواعد حاکم بر بازار، خود نویسنده نیست. نویسنده تابع فضا و جریان‌های فرهنگی و سیاسی جامعه خود است. اینجاست که محور و ضلع دوم چرخه اقتصادی ادبیات پا به عرصه می‌گذارد. ناشران یا بنگاه‌های اقتصادی ـ فرهنگی نشر در همه جای دنیا، افزون بر وجهه فرهنگی کارشان، ناچارند تا خود را تابع بازار بدانند و از آنجا که سرمایه خود را در زمینه نشر کتاب داستان و رمان هزینه می‌کنند، حق دارند نگران نوسان بازار و سود و زیان خود باشند.

نشر حرفه‌ای در ایران فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. در گذشته یکصد ساله، شخصیت‌های فرهنگی بسیاری را در مصدر کار نشر دیده‌ایم که از قضا هم کتاب‌های ادبی و فرهنگی منتشر کرده‌اند. تعداد ناشران هم روزگاری بسیار اندک بود و در چرخه اقتصادی نشر، سرمایه‌گذاری به اصطلاح جواب می‌داد و تناسبی میان تعداد ناشران و نویسندگان و تعداد خوانندگان بود. این تناسب البته در قیاس با این روزها بیشتر خود را نشان می‌دهد. امروز در زمانه‌ای به سر می‌بریم که این تناسب سخت به هم خورده است. گاهی اوقات تعداد نویسندگان ـ تولیدکنندگان ـ از تعداد ناشران و مصرف‌کنندگان بیشتر می‌شود.

مدیر یک نشر خصوصی و نویسنده در گفت‌وگو با ایرنا، درباره وضعیت ناشران در چرخه اقتصادی ادبیات داستانی می‌گوید: از آنجا که خودم داستان‌نویس هستم، در انتشاراتی که مدیریتش را دارم، کتاب‌های داستان اعم از ترجمه و تالیف منتشر می‌کنم. مساله مهمی که در نشر ما وجود دارد، کمبود توسعه زیرساخت‌های نشر است که می‌تواند مستقیم و غیر مستقیم با چرخه اقتصادی نشر داستان ارتباط پیدا کند. منظور از این زیرساخت‌ها، ایجاد فضای فروش و معرفی آثار ـ بازار مناسب ـ امکانات تبلیغ مناسب و دسترسی مخاطب به اثر است. اثر ادبی بعد از چاپ مانند بسیاری از کالاها از قواعد عرضه و تقاضای بازار تبعیت می‌کند. اکنون نمایشگاه‌ها و برخی کتابفروشی‌ها توانسته‌اند بازار مناسبی برای عرضه کتاب داستان ایجاد کنند.

نکاتی که وی به آنها اشاره کرده است از جمله مسائلی است که اثر ادبی بعد از آفرینش با آنها مواجه می‌شود. شاید در نگاه اول نویسنده درگیر این فرایند نباشد، اما بی‌تردید اخلال در این فرایند و تاخیر در زمان خلق و انتشار می‌تواند در کار بعدی او موثر باشد.

زیانی که تنها به نویسنده می‌رسد

مساله‌ای که در خلال این تحقیق و پرسشگری باید به آن توجه کرد و در واقع باید نخستین پرسش نویسنده و ناشر باشد، ایجاد نیاز در مخاطب است. اینکه مخاطب امروز ادبیات داستانی در کجای این جهان زیست می‌کند.

محسن حکیم معانی می‌گوید: کار داستان‌نویس در دنیای امروز بسیار دشوار شده است. او در میان رقیبان قدرتمندی قرار گرفته و باید با رسانه‌های قَدَری مثل شبکه‌های تلویزیونی، تعداد بی‌شمار فیلم‌های سینمایی و امروزه با شبکه‌های متعدد اجتماعی رقابت کند که این رقابت در اکثر مواقع ناجوانمردانه به زیان ادبیات تمام می‌شود. خسران اصلی در این رقابت برای نویسنده است. نمی‌گویم ناشر؛ چرا که تا متنی نوشته نشود قاعدتا سرمایه ای هم در میان نخواهد بود. پس نویسنده بیش از همه زیان می بیند.

نویسنده مجموعه داستان «افشاربندان» در پاسخ به این پرسش که نیاز مخاطب داستان خوان چگونه باید برآورده شود تصریح می کند: مخاطب همیشه نیاز به ادبیات دارد. از ادوار کهن تا امروز بشر داستان می‌خوانده و از این امر گریزی ندارد. اما امروز این نیاز از طریق رسانه‌های دیگری غیر از ادبیات هم تامین می‌شود. اگر در آن رسانه‌ها هم ادبیات نقش داشته باشد، ادبیات اصیل نیست.

مچ‌اندازی نابرابر ناشران دولتی و خصوصی

در حوزه نشر ادبیات داستانی، در روزگار ما محور دیگری هم دخیل است؛ دولت. دولت در این سال‌ها خود در جایگاه ناشر وارد میدان شده و با این حرکت، فضای رقابتی نابرابری میان ناشر دولتی و خصوصی ایجاد شده است. البته دست کم خیلی از ناشران دولتی وارد حوزه ادبیات داستانی نشده‌اند و شاید بشود گفت که انحصار آن در اختیار یک یا دو نشر دولتی است. اما اینکه این ناشران دولتی در بازار رقابتی موفق و پیروز بوده‌اند خود مساله‌ای است که پرده از پیچیدگی‌های مساله نشر ادبیات در ایران بر می‌دارد.

یک ناشر خصوصی معتقد است که ناشر دولتی ناچار است که با الگو و روش ایدئولوژیک خود آثار داستانی را منتشر کند و برای این مساله در بسیاری موارد آن را سفارش می‌دهد. اما وضع ناشر خصوصی بسیار متفاوت است. ناشر دولتی اگر آثاری را که چاپ می‌کند در انبار هم بماند، ضرر نمی‌دهد. اما من در جایگاه ناشر خصوصی، باید اثری را چاپ و توزیع کنم که مردم بخرند و سرمایه‌ام برگردد. اینجاست که من تابع قواعد بازار نشر و پسند مخاطب خواهم بود.

در سوی دیگر ماجرا نویسندگان هستند. زاهدی مطلق ـ داستان‌نویس و روزنامه‌نگار ـ معتقد است نویسنده دوست دارد دیده شود. اثرش خوانده شود و دست کم اگر نفع مالی نمی‌برد به شهرت برسد تا بعدا از راه آن شهرت بتواند کمبود مالی ادبیات را جبران کند. اما در این میان ناشر هم نفع خود را می‌خواهد و می‌گوید که سرمایه من باید برگردد تا بتوانم کار بعدی را چاپ کنم. پس اینجا اختلاف‌نظر میان ناشر و نویسنده رخ می‌دهد. نویسنده می‌خواهد هم با عموم مردم ارتباط بگیرد و هم منتقدان را راضی نگه دارد. گاهی اوقات اینها با هم سازگاری ندارد.

حکیم معانی نیز به نکته مهمی در این باره اشاره می‌کند و می‌افزاید: پرفروش بودن یا «بست سلر» بودن در ادبیات البته منافاتی با ادبیات جدی ندارد و لزوما آثاری که می‌فروشند، ضعیف نیستند. اما در کلیت ماجرا ادبیات عامه‌پسند و سهل‌انگارانه و سطحی، با اقبال بیشتری مواجه می‌شود و راحت‌تر می‌فروشد. حال در این میان اگر تبلیغات هم به داد نویسنده و ناشر برسد که اتفاقی ایده‌آل است.

ضلع سوم چرخه اقتصاد ادبیات، مردم یا مخاطبان یا همان به اصطلاح مشتریان و خریداران ادبیات هستند. این ضلع، به شدت تابع شرایط و موقعیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. همانگونه که اشاره شد، همه مردم نیاز به قصه و ادبیات را در ذات خود دارند اما اینکه از چه راهی تامین شود و جذاب باشد، راه را برای فعالیت اقتصادی باز می‌کند.

زاهدی مطلق در این زمینه عقیده دارد که اگر زمانی داستان‌های پلیسی و عاطفی سطحی در قطع جیبی می‌توانست مردم را سرگرم کند و نویسنده و ناشر را به نان و نوایی برساند، امروز دیگر هیچ مخاطبی به سمت چنین آثاری نمی‌رود و بازار ادبیات قواعد دیگری را ایجاد کرده است. شکل روایتی و حتی چاپ آثار عامه‌پسند بسیار متفاوت‌تر از گذشته شده و گاهی میان اثر ادبی جدی و اثر ادبی عامه‌پسند در شکل و شمایل چاپ تفاوتی دیده نمی‌شود.

دست آخر اینکه ادبیات ما برای حرکت در مسیر آرمانی و بهتر بگویم طبیعی خود، نیاز به جسارت دارد نه حمایت. حمایت همواره سامان‌دهنده وضع هنر نیست. ادبیات برای امرار معاش و اتکا به خود، نیاز به رعایت بازار با همه قواعدش دارد. نویسنده و ناشری که این قواعد را نشناسد و یا نخواهد که به آنها تن دهد، لاجرم از گردونه خارج خواهد شد.

البته اگر مسیر حرکت ادبیات طبیعی باشد. چرا که الان مسیر ادبیات ما در چرخه اقتصادی‌اش دست‌اندازهای بسیار و دره‌های هولناکی دارد که بی‌تردید یکی از آنها حمایت‌های نادرست دولتی و رقابت نابرابر و ناسالم ناشر دولتی با امکانات نامحدود با ناشر خصوصی با امکانات محدود است.

دانشگاه‌های هنر از گالری‌ها عقب مانده‌اند

یک استاد دانشگاه در رشته مجسمه‌سازی معتقد است که محتوای درسی رشته‌های هنری دیگر کارآمد نیست و نیازهای دانشجویان را برطرف نمی‌کند.

قدیمی بودن اطلاعات استادان رشته هنر و همخوان نبودن آموخته‌هایشان با هنر امروز، از جمله انتقادهای این روزهای دانشجویان است که در گفت‌وگو با ایسنا عنوان شده است. همچنین عده زیادی از دانشجویان رشته‌های هنر از مشکلات بودجه و کمبود امکانات در دانشگاه‌ها گله‌مند هستند.

از طرفی دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه هنر معتقدند کلیه رشته‌های هنری باید در کنار هم درس بخوانند و با هم در ارتباط باشند حتی برخی از آنها نیز بر این باورند که دانشگاه هنر به عمد این دانشجویان را از هم جدا نگه داشته است.

خبرنگار ایسنا در گفت‌وگویی با بیژن غنچه‌پور که در دانشگاه هنر مجسمه‌سازی تدریس می‌کند، این دغدغه‌ها را پرسیده است.

این هنرمند مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه هنر درباره مشکلات دانشجویان رشته‌های هنر گفت: معضل اصلی در تحصیلات تخصصی رشته‌های هنر، نگارش محتوای درسی است که در ابتدای انقلاب نوشته شده و دیگر کاربری خود را در هنر امروز از دست داده است.

او افزود: به دلیل اینکه رشته‌های هنری پس از انقلاب چند سالی تدریس نمی‌شد، در زمان نگارش دوباره محتوای درسی این رشته‌ها به دلیل وضعیت آن زمان هدف تنها بازگشایی و آغاز تدریس رشته‌های هنر بود. به همین دلیل محتوای درسی که آن زمان نگارش شده محافظه‌کارانه است و بر اساس شرایط اجتماعی آن موقع نوشته شده. ولی در حال حاضر از آن شرایط گذر کرده‌ایم و اکنون آن اطلاعات کارآمد نیست

این استاد دانشگاه ادامه داد: در حال حاضر دیگر هیچ مدیری شک ندارد که مثلا آیا اگر مجسمه‌ای در شهر نصب شود، مشکل دارد یا نه؟ ولی در آن زمان این تردیدها وجود داشت. در حال حاضر محتوای درسی رشته‌های هنر همچنان در آن فضای سابق باقی مانده و در نتیجه دانشگاه‌ها از فضای هنری گالری‌ها و جشنواره‌ها عقب مانده‌اند. اگر محتواهای درسی همگام با تحولات روز هنر معاصر جهان باشد خیلی از نارضایتی‌ها به وجود نمی‌آید.

غنچه‌پور بیان کرد که محتوای درسی قدیمی باعث ورود اساتید با اطلاعات کهنه می‌شود.

او اضافه کرد: در چنین شرایطی دانشجو متوجه می‌شود که با وجود تمرینات و تلاشش در دانشگاه، زمانی که وارد فضای کار رشته خود می‌شود، هیچ‌کدام از آموخته‌هایش به درد او نمی‌خورد. در واقع یک دوگانگی مبنی بر اینکه هنر معاصر چیست و آن چیزی هم که در دانشگاه یاد می‌گیرد چیست؟ برایش به وجود می‌آید.

غنچه‌پور درباره مشکلات اقتصادی رشته‌های هنر گفت: مشکلات اقتصادی دانشگاه‌ها متأثر از شرایط عمومی جامعه است؛ یعنی بودجه کشور صرف هر چیز غیرضروری و هزاران بنیاد و نهاد تبلیغاتی ناکارآمد می‌شود ولی سازمان آتش‌نشانی

یا محیط زیست یک صدم آن بودجه‌ها را ندارند. گرچه این سازمان‌ها فعالیت‌های مهم‌تری را انجام می‌دهند. داستان بودجه دانشکده‌های هنر نیز به همین صورت است؛ چراکه برای بعضی از رشته‌ها همانند رشته‌های علمی بودجه فراوان در نظر گرفته می‌شود ولی برای رشته‌های هنر اینگونه نیست.

او همچنین درباره علت پراکنده بودن دانشجوهای دانشگاه هنر بیان کرد: دانشگاه هنر چندین پردیس دانشگاهی متفاوت از جمله باغ ملی تهران، ساختمان کاربردی، سینما و تئاتر و دانشکده کرج دارد. ولی زمانی که کرج از تهران جدا شد، لازم بود که دانشکده کرج دانشگاه هنر به تهران منتقل شود اما چون باغ ملی به مرمت نیاز دارد و این امر به آرامی در حال انجام شدن است، چند سالی زمان می‌برد تا دانشجویان همه در یک جا ادغام شوند.

اخبار

نخستین خبرها درباره اکران نوروز ۹۸

سخنگوی شورای صنفی نمایش، هر گونه خبری مبنی بر اکران نوروزی را گمانه زنی رسانه ها دانست و گفت: هنوز چیزی در این باره قطعی مشخص نشده است.

غلامرضا فرجی روز دوشنبه در گفت وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا، اظهار داشت: برای اکران نوروزی ابتدا باید تکلیف سرگروه ها برای سال ۹۸ مشخص شود بعد کاندیدای نوروزی نسبت به عقد قرار داد اقدام کنند.

وی به آخرین مصوبات امروز شورای صنفی نمایش اشاره کرد و گفت: از چهارشنبه این هفته ۲۶ دی ماه فیلم سینمایی «سندباد و سارا» به کارگردانی غلامرضا آزادی در گروه سینمایی ماندانا اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد کرد.

فرجی افزود: همچنین در جلسه امروز قرارداد فیلم «ترانه» به کارگردانی و نویسندگی مهدی صاحبی در گروه سینمایی کوروش بعد از «کلمبوس» ثبت شد.

سخنگوی شورای صنفی نمایش در ادامه، ثبت قرارداد فیلم «ضربه فنی» به کارگردانی غلامرضا رمضانی را از دیگر مصوبات شواری صنفی نمایش عنوان کرد و گفت: قرارداد این فیلم بعد از «ترانه» در گروه سینمایی کوروش ثبت شد.

فرجی با اشاره به اینکه کف فروش فیلم های در حال اکران همچنان بالا است، خاطرنشان کرد: بنابراین درباره بررسی ادامه اکران فیلم ها، هفته آینده تصمیم گیری خواهد شد.

حریم ۴۱ اثر تاریخی در سه استان کشور تصویب شد

محدوده حریم و ضوابط حفاظتی۴۱ اثر تاریخی پیشنهادی استان های گلستان، مرکزی و فارس مشخص و تصویب شد.

به گزارش روز دوشنبه ایرنا به نقل از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، محدوده حریم و ضوابط پیشنهادی ۹ بنای تاریخی در استان مرکزی، هفت بنای تاریخی در استان گلستان، تدقیق و بازنگری حریم های ۱۷ اثر از مجموعه فیروزآباد و هشت اثر در مجموعه تاریخی بیشاپور و تنگ چوگان در استان فارس به تصویب رسید.

فرهاد نظری مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی با اعلام این خبر گفت: در کمیته حریم و ضوابط حفاظتی پیشنهادی که با حضور کارشناسان استانی و ستادی برگزار شد، ۴۲ اثر از استان های مرکزی، گلستان، فارس و آذربایجان شرقی پیشنهاد شد که از این تعداد ۴۱ اثر از استان های مرکزی، گلستان و فارس به تصویب رسید.

وی گفت: خانه احمد قلی خان حاجی باشی، کلیسای مسروپ، مسجد شبستان، حمام محله علیا و همچنین عرصه و حریم بازار نراق شامل بازار تاریخی و نراق، مسجد پایین، آب انبار و حسینیه حاج مهدی و خانه فاضلین در استان مرکزی مشخص و به تصویب رسید.

نظری همچنین به حرایم تصویب شده استان گلستان اشاره کرد و افزود: در مجموع تعداد ۹ اثر از استان گلستان پیشنهاد شد که از این تعداد ۷ اثر که شامل روستای فارسیان قانچی، میدان سوارکاری گنبد کاووس، بنای تاریخی فانوس دریایی، کارخانه پنبه پاک کنی لیوانی، خانه لیوانی، بنای تاریخی گمرک، عمارت پهلوی بندر گز می شود به تصویب رسید.

وی به بازنگری حریم مجموعه فیروزآباد فارس اشاره کرد و گفت: حریم قصر ساسانی (کاخ اردشیر ـ آتشکده) قلعه دختر، شهر گور آتشکده ساسانی مناره، دو نقش برجسته، پل مهر نرسه، کتیبه مهر نرسه، نقاره خانه تنگاب، تل خضر، جاده ساسانی، کاروانسرای تنگاب، کتیبه آبسنج، تل نقاره خانه، تل باغسرخی، باغ نارنجی، پل ساسانی و اشکفت گاوی نیز مورد تدقیق و بازنگری قرار گرفت.

به گفته نظری، محل پایتخت قدیم بیشاپور، نقش برجسته تنگ چوگان، مجسمه شاپور اول، آثار باستانی قریه سید حسین، غار چشمه ساسان، تل پنج محل، غار گوسفند، گورهای سنگی تنگ ناری در مجموعه تاریخی بیشاپور و تنگ چوگان از جمله مواردی بود که در این نشست مورد تدقیق و بازنگری قرار گرفت.

دبیر رشته خوشنویسی یازدهمین جشنواره تجسمی فجر:

داوری امسال منصفانه‌تر بود

دبیر بخش خوشنویسی یازدهمین جشنواره تجسمی فجر توضیح داد که امسال به دلیل تفکیک انجام‌شده بین رشته‌های هنری، داوری حرفه‌ای‌تر و منصفانه‌تر است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی جشنواره، امیر احمد فلسفی ـ دبیر رشته خوشنویسی یازدهمین جشنواره تجسمی فجر ـ درباره مرحله نخست داوری آثار خوشنویسی توضیح داد: ممکن است پس از رسیدن اصل آثار تعداد محدودی از آنها به دلیل مغایرت با تصویر حذف شوند ولی در حال حاضر از میان ۵۵۰ اثر رسیده به دبیرخانه ۷۹ اثر انتخاب شده‌اند. در مرحله بعد که ۲۵ دی ماه انجام می‌شود اصل این آثار با تصویرشان مطابقت داده می‌شود و تکلیف نهایی تعداد آثار بخش خوشنویسی مشخص می‌شود. مرحله آخر داوری هم که انتخاب اثر منتخب این بخش و اثر شایسته تقدیر است.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه امسال بی‌ینال خوشنویسی داشتیم اما با این حال استقبال از جشنواره فجر خوب بود و آثار خوبی به دبیرخانه جشنواره آمد.

وی افزود: البته از نظر من این تمام توان خوشنویسی کشور بسیار بالاست و می‌توان در سال‌های آینده میزبان آثار بیشتر و بهتری بود. وقتی هنرها از هم تفکیک می‌شوند هنرمندان رشته‌هایی مثل خوشنویسی می‌دانند که کارهایشان بهتر دیده می‌شود و به همین دلیل انگیزه بیشتری برای شرکت در این رویداد هنری دارند و روی کار اصلی خود تمرکز می‌کنند؛ بنابراین تفکیک بخش‌های جشنواره قطعا روی حضور خوشنویسان تاثیر مثبت داشته است.

فلسفی گفت: داوری امسال هم بهتر و منصفانه‌تر بود. چون در سال‌های قبل با وجود رشته‌های متنوع هنری داوری عادلانه‌ای روی هنر خوشنویسی نبود. هنر خوشنویسی یک تاریخ هزارساله دارد. اگر قرار باشد با هنرهای مدرن یک جا داوری شود عادلانه نیست.

این هنرمند خوشنویس گفت: با توجه به تجربه و سابقه داوران بخش خوشنویسی، خوشبختانه در داوری اولیه مشکلی نداشتیم و در ساعت‌های محدودی آثار منتخب برای نمایش در نمایشگاه انتخاب شدند. در این مرحله منتظر هستیم که اصل آثاری که تصویرشان را بررسی کردیم به دبیرخانه برسد تا بتوانیم در مرحله بعد آنها را هم بررسی کنیم.

یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با دبیری ابراهیم حقیقی در بهمن ماه ۱۳۹۷ برگزار می شود. در این جشنواره سید امیر سقراطی دبیری هنری و محسن سلیمانی دبیری اجرایی را عهده دار هستند.